

فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۳، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۹، صفحات ۱۶۷-۱۹۱

نقش قنات در توسعه پایدار روستایی

محمد مهدی فداکار داورانی و عزت‌الله سام‌آرام*

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۸/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۷/۴

چکیده

مقاله حاضر از زاویه‌ای متفاوت به قنات می‌نگرد. فرض اصلی مقاله این است که تأمین نیاز آب از سوی خود روستاییان با استفاده از قنات و شبکه اجتماعی مورد نیاز برای نگهداری، عضویت و استفاده از آب قنات را می‌توان منشأ افزایش میل به پیشرفت، ایجاد فضای مشارکتی و تقویت روحیه توانمندسازی در راستای تحقق شرایط توسعه پایدار روستایی برشمرد. مطالعه میدانی این تحقیق در دو روستای داوران (دارای قنات) و فردوسیه (فاقد قنات) در شهرستان رفسنجان به انجام رسید. نتایج نشان می‌دهد که به لحاظ میزان توسعه اجتماعی، تفاوت معنی‌دار میان دو روستای مورد مطالعه وجود ندارد؛ اما از این نظر، تفاوت میان مالکان و غیرمالکان معنی‌دار و نشان‌دهنده اهمیت قنات در تقویت شاخص‌های توسعه پایدار روستایی در این مناطق است. میزان توانمندی در روستای دارای قنات به‌طور معنی‌دار بیشتر است. معنی‌داری تفاوت در میزان مشارکت اجتماعی در دو روستای مورد مطالعه تأیید نشد؛ اما از نظر متغیر میزان میل به پیشرفت، تفاوت میان دو روستای مورد مطالعه معنی‌دار است.

کلیدواژه‌ها: قنات / توسعه پایدار روستایی / مطالعه موردی / داوران (روستا) / فردوسیه (روستا) / رفسنجان (شهرستان).

* به ترتیب، نویسنده مسئول و استادیار دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمان (mmfadakar@yahoo.com)؛ و استاد دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی (e_samaram@yahoo.com).

مقدمه

از ابتدای تاریخ تاکنون، کشاورزی منبع اصلی درآمد و اشتغال در بخش‌های زیادی از روستاهای ایران بوده و امروزه، بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۸۵، مناطق روستایی با جمعیت ۲۲۲۲۷۷۷۱ نفر، ۳۱/۵ درصد از کل جمعیت کشور را در خود جای داده‌اند.

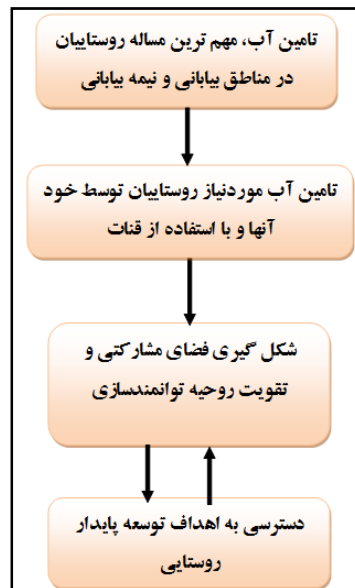
هر چند، همواره جوامع روستایی ایران با مشکلات و موانع زیادی مواجه بوده‌اند، اما در برخی موارد نیز روستاییان توانسته‌اند بدون دریافت کمک از خارج از روستا، بر این مشکلات فائق آیند. در صورت شناخت این‌گونه موارد از سوی برنامه‌ریزان توسعه روستایی، می‌توان از آنها به‌صورت منبعی برای تقویت شاخص‌های توسعه روستایی و تسهیل دستیابی به اهداف آن استفاده کرد.

بر اساس مطالعات موجود، آب‌های زیرزمینی به‌ویژه در فلات مرکزی ایران یکی از مسائل مهم در توسعه جوامع روستایی کشور به‌شمار می‌رود؛ زیرا در این مناطق، منابع آب روان و چشمه کمیاب است. همچنین، مسئله آب و توجه به منابع آبی از عمده مسائل مطرح در توسعه روستایی به‌ویژه در کشورهایمانند ایران است که در بسیاری از مناطق با مشکل کم‌آبی روبه‌روست (ازکیا، ۱۳۸۱: ۱۱۰). با افزایش جمعیت و پیشرفت تمدن در ایران باستان، در چندین هزار سال قبل، ایرانیان برای آنکه دیگر فقط در محیط تنگ و محدود دره‌ها و پای رودها و چشمه‌ها نمانند و به امید باران‌های اتفاقی زراعت نکنند و با کشیدن آب از چاه‌ها با زور بازوهایشان یا با استفاده از نیروی حیوانی، زندگی پرمشقت و کشاورزی و دامداری محدود نداشته باشند، دست به ابتکاری جدید زدند، که آن را قنات یا کاریز نام نهاده‌اند. با این اختراع، که تاکنون در نوع خود در جهان بی‌نظیر بوده است، می‌توان با جمع‌آوری مقداری قابل توجه از آب‌های زیرزمینی، این آب‌ها را به سطح زمین رساند تا در تمام طول سال، بدون هیچ کمکی، مانند چشمه از درون زمین به سطح آن جاری شود.

قنات تنها سرمایه‌ای طبیعی به‌شمار نمی‌رود، بلکه با پرداختن به کارهای قنات در روستا، فضای مشارکت در میان روستاییان تقویت می‌شود. همچنین، قنات به‌مثابه نمونه‌ای موفق از مشارکت روستاییان، که تأمین‌کننده نیاز آنها به آب بوده، روحیه توانمندی را در میان روستاییان پدید آورده است، چرا که آنها توانسته‌اند به‌صورت خودجوش، یکی از مهم‌ترین چالش‌های فراروی روستا را که همانا تأمین منبع آب روستاست، حل کنند. از این‌رو، این روحیه نزد روستاییان تقویت می‌شود که می‌توانند بدون کمک‌های خارج از روستا، بر سایر مشکلات نیز غلبه کنند.

از دیگر مزایای تأکید بر این‌گونه حرکت‌های خودجوش و تداوم آن در روستاها رویکردی است مبنی بر آنکه روستاییان با خوش‌بینی بیشتر نسبت به مشارکت، با برنامه‌ریزان توسعه روستایی همراه شوند؛ زیرا پس از گذشت چند دهه تلاش برای توسعه روستایی، عدم مدیریت صحیح مبتنی بر مشارکت نهادمند روستاییان با هدف تحقق اهداف توسعه، از علل ناکامی طرح‌های توسعه شناخته شد. به عبارت دیگر، در طرح‌های توسعه روستایی، روش‌های مبتنی بر مشارکت روستاییان در وجوه چهارگانه مشارکت شامل مداخله در تصمیم‌گیری، نظارت، اجرا و برخورداری از منافع از موفق‌ترین روش‌های توسعه روستایی شناخته می‌شوند، که متأسفانه در ایران، به‌رغم پیشینه فرهنگی قوی مشارکت و وجود گونه‌هایی از آن در جوامع روستایی، در برنامه‌های توسعه پس از اصلاحات ارضی نادیده گرفته شد (طالب، ۱۳۷۶: ۹۶).

به نظر نگارندگان، بدون توجه به پیشینه تلاش‌های روستاییان برای حل مشکلات جامعه روستایی، نمی‌توان نسبت به نتیجه‌بخشی برنامه‌های توسعه پایدار روستایی امیدوار بود. چنانچه اقداماتی مانند حفر قنات که از دهه‌های پیشین، برای حل مشکلات آب در روستاها شروع شده است، به فراموشی سپرده شود و برای نسل جدید در روستاها ناشناخته بماند، چگونه می‌توان امید داشت که جوانان روستایی از نگرش توانمندسازی، مشارکت در روستا و یا حتی میل به پیشرفت بهره‌مند باشند؟



منبع: یافته‌های تحقیق

نمودار ۱- قنات به‌مثابه عامل تسهیلگر برنامه‌های توسعه روستایی

با توجه به موارد یاد شده، در این پژوهش، قنات به‌مثابه منبع و عاملی تسهیل‌کننده برای تحقق برنامه‌های توسعه پایدار روستایی مورد توجه قرار گرفته است. مطالعه حاضر، با نگاهی به دیدگاه‌های توسعه و نیز اهمیت دانش بومی و تجربه گذشتگان در برنامه‌های توسعه، به بررسی چگونگی تأثیر قنات در دستیابی به اهداف توسعه پایدار روستایی می‌پردازد، و هدف اصلی آن عبارت است از: شناخت بیشتر نسبت به نقش و کارکرد قنات در تقویت روحیه توانمندسازی، میل به پیشرفت و ایجاد فضای مشارکتی در راستای دستیابی به اهداف توسعه پایدار روستایی.

مبانی نظری

از آنجا که قصد داریم نقش قنات را به‌مثابه عامل تسهیل‌کننده برنامه‌های توسعه روستایی مورد توجه قرار دهیم، در این بخش، در راستای دستیابی به تغییرات دیدگاه

توسعه مبتنی بر تأکید بر اصل مشارکت و توجه به دانش بومی در توسعه، ابتدا مروری کوتاه بر چگونگی تغییر دیدگاه نسبت به توسعه در مکتب‌های گوناگون توسعه انجام شده و سپس، نقش قنات در توسعه پایدار روستایی مورد بررسی قرار گرفته است. مکتب نوسازی که مبدأ و منتهای آن مدرنیته است، با تأثیرپذیری از نظریه تکاملی و مکتب فلسفه تاریخ و با توجه به تجربه تاریخی اروپا و غرب، فرایندی عام و همگانی تلقی شد که طی آن، جوامع از حالت سنتی، روستایی و کشاورزی به حالت امروزی، شهری و صنعتی متحول می‌شوند. این فرایند را نخست، غربی‌سازی و سپس، نوسازی می‌خوانند و آن را مترادف با توسعه به‌کار می‌بردند. آلموند^(۱)، ردفیلد^(۲)، مور^(۳)، روستو^(۴)، شومپتر^(۵)، ایزنشتات^(۶)، هانتینگتون^(۷) و بسیاری از نویسندگان دیگر در توصیف جامعه نوین، ویژگی‌هایی را مطرح می‌کنند که گویای معنی و محتوای توسعه از دیدگاه آنهاست؛ از آن جمله‌اند: فردگرایی، کثرت‌گرایی، تحرک اجتماعی، انفکاک ساختاری، تخصصی شدن گسترده نقش‌ها و وظایف، حاکمیت قانون، صنعتی شدن، گسترش سواد و شهرنشینی، آزادی و برابری سیاسی، عدالت، و ظهور دولت-ملت‌ها. (موثقی، ۱۳۸۳: ۴)

دیوید مک‌کله‌لند^(۸) از متفکران مکتب نوسازی توسعه، به «میل و نیاز به پیشرفت» به‌مثابه عامل کلیدی و نه صرفاً مؤثر در توسعه اشاره دارد. این میل به پیشرفت در دو بعد نمود عینی پیدا می‌کند: میل به داشتن برتری بر دیگران و اثبات این موضوع به آنها، نیاز به بالا بردن سطح رفاه عمومی (برداشت آزاد از ازکیا، ۱۳۸۱: ۱۱۳). از مهم‌ترین نظریه‌هایی که در زمینه توسعه به‌ویژه در مناطق روستایی کاربرد دارد، نظریه اورت راجرز^(۹) است که به متغیرهای فردی و نظام‌های شخصیتی افراد در قالب بحث خرده‌فرهنگ دهقانی می‌پردازد. به نظر راجرز، تغییر چیزی جز اندیشه و نظری نیست که فرد آن را جدید و نو می‌پندارد. او عناصری مانند انگیزه‌ها، ارزش‌ها و وجهه نظرها را در قالب نظریه خرده‌فرهنگ دهقانی، عناصری اصلی و کلیدی برای فهم رفتار می‌داند. عناصر خرده‌فرهنگ دهقانی عوامل بازدارنده نوآوری و پذیرش تغییرات در جوامع

روستایی و به تعبیری، بازدارندهٔ تجدد و نوسازی به‌شمار می‌روند (ازکیا، ۱۳۸۱: ۱۱۵). این عناصر عبارت‌اند از: عدم اعتماد متقابل در روابط شخصی، فقدان نوآوری، تقدیرگرایی، پایین بودن سطح آرزوها و تمایلات، عدم توانایی چشم‌پوشی از منافع آنی به‌خاطر منافع آنی، عدم توجه به عنصر زمان و اهمیت آن، خانواده‌گرایی، وابستگی به قدرت دولت، محلی‌گرایی، و فقدان همدلی.

اما نظریهٔ نوسازی با انتقادات گسترده روبه‌رو شد، که از مهم‌ترین آنها می‌توان به نارسایی‌های عمدهٔ ادبیات کلاسیک نوسازی و توسعه به‌واسطهٔ غلبهٔ نگرش اثبات‌گرایی اشاره کرد که به تجزیهٔ ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی توسعه و به‌ویژه تقلیل توسعه به رشد اقتصادی انجامید. گرچه در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، بسیاری از کشورها به نرخ‌های بالای رشد اقتصادی دست یافتند اما در عمل، به‌تنها مسائل و مشکلات مناطق توسعه‌نیافته مانند فقر، گرسنگی و سوء تغذیه، خشونت، سرکوب، جنگ، نظامی‌گری و به‌طور کلی، عقب‌ماندگی حل نشد بلکه مسائلی جدید مانند استثمار شدید زنان و کودکان، کاهش فزایندهٔ منابع طبیعی تجدیدنابذیر، به‌هم خوردن تعادل بوم‌شناختی، آلودگی فزاینده و تخریب محیط زیست و آثار ناشی از آن همچون نازک شدن لایهٔ ازن را نیز جهان شاهد بود (Mesarovic and Pestel, 1974: 7-9).

دیدگاه وابستگی یکی از نحله‌های مکتب توسعه‌نیافتگی است. مکتب وابستگی به‌دنبال این ایده ظهور کرد که با تحمیل یک نوع تقسیم کار بین‌المللی ناعادلانه و دستکاری عرضه و تقاضا در بازار جهانی و نیز ایجاد رابطهٔ مبادلهٔ نابرابر از طریق شرکت‌های چندملیتی و فراملیتی و نهادهای مالی و اقتصادی، نوعی سرمایه‌داری سازمان‌یافته بر دنیا حاکم می‌شود که به‌شدت به زیان کشورهای جهان سوم است. بنابراین، مکتب وابستگی از این دیدگاه به بررسی عوامل توسعه‌نیافتگی می‌پردازد. نظریه‌پردازان مکتب وابستگی بر این باورند که توسعه‌نیافتگی محصول ساختار و یا ویژگی‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی یک جامعه نیست بلکه تا حد زیادی، نتیجهٔ تاریخی ارتباط گذشته و مداوم اقتصادی میان کشورهای توسعه‌نیافته

(اقمار) و کشورهای توسعه‌یافته (مادر) است. بنابراین، عمده مشکلاتی که کشورهای توسعه‌نیافته با آن مواجه‌اند، ناشی از مسائل بیرونی است و نه مسائل درونی جامعه. از این‌رو، مسئله اساسی کشورهای توسعه‌نیافته این نیست که چگونه به مرحله‌ای از توسعه نظیر مدل اروپایی آن برسند؛ و ادعای تکرار تجربه تاریخی کشورهای توسعه‌یافته امروزی برای کشورهای در حال توسعه نیز پایه و اساس ندارد.

البته دیدگاه وابستگی نیز از دهه ۱۹۷۰ آماج انتقادات فراوان بوده است که از مهم‌ترین آنها می‌توان بدین مطلب اشاره کرد: بر اثر میزان بالای انتزاعی بودن این دیدگاه، مکتب وابستگی همه مناطق پیرامونی را یکسان قلمداد کرده است. همچنین، در رهیافت وابستگی، نقش منازعات داخلی و مقاومت‌های درونی نادیده گرفته شده و در مورد قدرت نیروهای خارجی نیز اغراق شده است.

از عمده تغییرات مفهوم توسعه، تغییر آن از بعد صرفاً اقتصادی به سایر ابعاد توسعه است. سازمان ملل در گزارش‌های خود تعبیر توسعه اجتماعی و برقراری تعادل میان ابعاد فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی توسعه و تغییرات کیفی و فراتر از کمی و نیز ارتقای کیفیت زندگی را مورد توجه قرار داد و پذیرفت که رشد اقتصادی سریع با نابرابری فزاینده در سطوح ملی و بین‌المللی همراه بوده است. سازمان ملل، با تأکید بر ضرورت اتخاذ رهیافتی یکپارچه نسبت به برنامه‌ریزی و توسعه در قالب یک راهبرد توسعه بین‌المللی و جهانی، اعلام کرد که نباید هیچ بخشی از جمعیت خارج از حوزه تغییر و توسعه قرار گیرد و بدین منظور، باید همه بخش‌های جمعیت در فرایند توسعه مشارکت داشته باشند؛ و با هدف برقراری عدالت اجتماعی، شامل تحقق توزیع عادلانه درآمد و ثروت در میان آحاد ملت، و در قالب توسعه ملی و مشارکتی، تغییر ساختاری صورت گیرد و همچنین، به شکوفایی استعدادهای انسانی، تهیه و تدارک فرصت‌های اشتغال و تأمین نیازهای کودکان اولویت داده شود.

در مقاله حاضر، تعریف سازمان ملل متحد از توسعه مد نظر قرار گرفته که بر اساس آن، توسعه فرایندی است که با یکپارچه‌سازی کوشش‌های مردم و دولت برای بهبود

اوضاع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در هر منطقه، آنها را قادر به مشارکت در پیشرفت ملی می‌سازد (Dube, 1990: 56). در جدول زیر، روند تغییرات مفهوم توسعه از تعریف سنتی به جدید آمده است.

جدول ۱- تفاوت رویکردهای سنتی و جدید توسعه

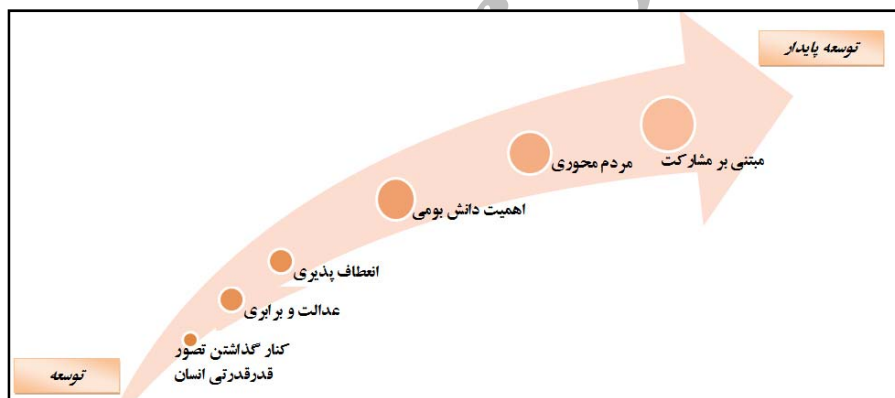
رویکرد سنتی توسعه	رویکرد جدید توسعه
رشد اقتصادی بدون توجه به هزینه‌های پرداخت شده برای آن	توجه به رشد اجتماعی مانند گسترش عدالت اجتماعی
ارزش‌گذاری به جنبه‌های اقتصادی و ملموس توسعه	در نظر گرفتن توسعه به مثابه واقعیت چندبعدی و کیفی
کمی‌گرایی در راستای سنجش میزان توسعه	توجه به متغیرهای کیفی در سنجش میزان توسعه
توزیع مجدد درآمد توسط دولت	ایجاد فرایندی برای مشارکت محرومان در تصمیم‌گیری
انتقال فناوری از کشورهای صنعتی	تقویت دانش بومی و توسعه فناوری مشارکتی

منبع: یافته‌های تحقیق

با گذشت زمان، مفهوم توسعه با دو چالش روبه‌رو شد:

- ۱- وجود بیش از یک میلیارد فقیر در جهان که به آموزش، بهداشت، زیرساخت‌ها و دیگر امکانات ضروری برای بهبود وضع زندگی خود دسترسی ندارند؛ و
 - ۲- دیدگاه فن‌محورانه و دید خوش‌بینانه به جهان که به استفاده بی‌رویه از منابع طبیعی و مصرف بی‌اندازه منابع و به‌ویژه منابع تجدیدناپذیر و نیز برهم خوردن تعادل زیست‌بوم‌ها انجامیده است.
- مفهوم توسعه پایدار را می‌توان پاسخی به چالش‌های یاد شده دانست. توسعه پایدار ناظر بر این واقعیت انکارناپذیر است که ملاحظات بوم‌شناختی را می‌توان و باید در فعالیت‌های اقتصادی به‌کارگرفت. این ملاحظات شامل ایده‌های ایجاد محیطی منطقی است که در ادعای توسعه به‌منظور پیشبرد کیفیت همه جنبه‌های زندگی مورد چالش قرار می‌گیرد (زاهدی و نجفی، ۱۳۸۵).

توسعه پایدار بنا به تعریف کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه که برای اولین بار، این اصطلاح را مطرح کرده، عبارت است از توسعه‌ای که نیازهای نسل فعلی را بدون ایجاد اشکال در توانایی نسل‌های آینده در برآوردن احتیاجات خود، تأمین می‌کند (مehشواری، ۱۳۷۸: ۶۱). در حقیقت، توسعه پایدار به معنی تلفیق اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی برای حداکثرسازی رفاه انسان فعلی بدون آسیب به توانایی نسل‌های آتی برای برآورده کردن نیازهایشان است. بنیادهای اصلی توسعه پایدار را می‌توان به‌طور خلاصه، در نمودار زیر مشاهده کرد:



منبع: یافته‌های تحقیق

نمودار ۲- توسعه پایدار

تعریف مفاهیم

در ادامه، با توجه به تأکید پژوهش حاضر بر مسئله قنات‌ها، به توضیح برخی از مفاهیم اصلی توسعه پایدار روستایی می‌پردازیم.

دانش بومی: از مفاهیم عمده مطرح در توسعه پایدار روستایی است. در نیم‌قرن اخیر، دانش رسمی و نوین، با پدید آوردن فناوری‌هایی جدید و کارآمد در پهنه کشاورزی، تحولاتی اساسی را در فرایند تولید و عرضه زندگی روستاییان و بهره‌برداران کشاورزی موجب شده است. در همین حال، به‌کارگیری برخی از فناوری‌ها با معضلاتی در

زمینه‌های زیست‌محیطی، تولیدی و اجتماعی همراه بوده که موجبات دغدغه‌اندیشمندان و تصمیم‌سازان توسعه را فراهم آورده است. یکی از گزینه‌های مورد نظر در پاسخ‌گویی بدین‌گونه دغدغه‌ها رجوع به دانش تجربی گذشتگان است. بهره‌گیری از (خرد تجربی انباشته و تاریخی) بهره‌برداران محلی که در اصطلاح، دانش بومی نامیده می‌شود، این امکان را فراهم می‌سازد که در فرآیند تعیین نیاز و طراحی فناوری‌های متناسب و به‌کارگیری آن، مردم محلی و دانش آنها را در مسیر توسعه متوازن و پایدار به مشارکت بطلبیم (عمادی و امیری اردکانی، ۱۳۸۱: ۱۱). زمینه‌های کاربردی دانش بومی در توسعه را می‌توان بدین ترتیب خلاصه کرد:

- ۱- حفظ و نگهداری از منابع طبیعی از افتخارات پیشینه سنتی ماست. شیوه‌های بومی مدیریت منابع طبیعی الگویی مناسب برای مدیریت منابع طبیعی در توسعه پایدار به‌شمار می‌رود.
 - ۲- موفقیت طرح‌های توسعه پایدار در گرو مشارکت بومیان در کلیه مراحل از جمله طراحی، برنامه‌ریزی، اجرا و ارزیابی طرح‌هاست. نیاز به مشارکت بومیان استفاده از دانش بومی را اجتناب‌ناپذیر می‌کند.
 - ۳- با توجه به شرایط کنونی جهان، در بسیاری از موارد، باید راه‌حل‌ها را درآمیزه‌ای از دانش بومی و دانش رسمی جست؛ زیرا با توجه به ابعاد نیازهای کنونی جمعیت دنیا و نیز آسیب‌پذیری منابع طبیعی باقی‌مانده، هیچ‌کدام از این دو به‌تنهایی قادر به پاسخ‌گویی نیازها نیست.
 - ۴- برای شناسایی نیازهای توسعه، باید مسئله‌یابی از دیدگاه بومیان انجام شود. شناسایی درست مسائل و ارتباط مؤثر با بومیان نیز از طریق دانش بومی میسر است.
- دانش حفر، نگهداری و انجام سایر امور قنات‌ها نیز دانش بومی کشور ایران محسوب می‌شود که اکنون متأسفانه با خشک شدن بسیاری از قنات‌ها، رو به فراموشی است، در حالی که باید این دانش روستاییان از نسلی به نسل دیگر انتقال یابد تا بتوان از نتایج اجتماعی و اقتصادی آن در راستای اهداف توسعه استفاده کرد.

توسعه اجتماعی: بعدی از توسعه به شمار می‌رود که با شیوه زندگی افراد یک جامعه پیوندی تنگاتنگ دارد و در ابعاد عینی بیشتر ناظر بر بالا بردن سطح زندگی عمومی از طریق ایجاد شرایط مطلوب و بهینه در زمینه‌هایی چون فقرزدایی، تغذیه، بهداشت، مسکن، اشتغال، و آموزش است. بر این مبنا گفته می‌شود که منظور از توسعه اجتماعی، اشکال متفاوت کنش متقابل است که در یک جامعه خاص همراه با توسعه تمدن رخ می‌دهد. توسعه اجتماعی و توسعه فرهنگی، جنبه‌های مکمل و پیوسته یک پدیده‌اند و هر دو نوع الزاماً به ایجاد وجوه تمایز فزاینده جامعه منجر می‌شوند؛ بنابراین، توسعه اجتماعی در پی بهبود وضعیت اجتماعی افراد یک جامعه است که برای تحقق چنین بهبودی، تغییر در الگوهای دست و پاگیر و زائد رفتاری، نگرشی، آرمانی و اعتقادی مورد توجه قرار می‌گیرد، به گونه‌ای امکان پاسخگویی به مشکلات اجتماعی جوامع فراهم آید (ازکیا، ۱۳۸۱: ۱۹).

در این مقاله به منظور عملیاتی کردن متغیر توسعه اجتماعی که متغیر وابسته تحقیق به شمار می‌رود، از سه بعد، توانمندسازی، میل به پیشرفت و مشارکت در امور روستا استفاده شده است. در ادامه، ابتدا توضیحاتی در زمینه این سه بعد داده می‌شود و سپس گویه‌های مورد استفاده برای سنجش هر یک بیان می‌شود.

توانمندسازی: نقش توانمندسازی در مفهوم توسعه پایدار روستایی درخور اهمیت است، چراکه فرایند افزایش انتخاب مردم، گسترش ارزش‌های مردم‌سالاری و توانمندی مردم در راستای تصمیم‌گیری برای شکل‌دهی به فضای زیست، افزایش رفاه و خوشبختی، گسترش فرصت‌ها و ظرفیت‌های بالقوه جز با توانمندسازی زنان، فقرا و دهقانان مستقل و آزاد برای سازمان‌دهی فضای زیست خود و نیز توانایی آنها در انجام کار گروهی مهیا نمی‌شود.

در تحقیق حاضر، منظور از توانمندسازی توان انجام کارها با کمک یکدیگر، تصمیم‌سازی، اقدام، به‌کارگیری نوآوری، و نیز قدرت استفاده از منابع مشترک مشاع است. تجربه گذشتگان از نوآوری‌ها و نتایج اجتماعی و اقتصادی آن را می‌توان

مهم‌ترین عامل تقویت و گسترش روحیه توانمندسازی در روستاها به‌شمار آورد. تا زمانی که نسل جدید روستاییان نسبت به نوآوری‌هایی مانند قنات، که کم‌آبی به‌مثابه مهم‌ترین مشکل روستاهای ایران را حل کرده است، آگاهی نداشته باشند و در سایه کم‌توجهی‌ها اهمیت آن را درک نکنند، نمی‌توان امید داشت که این نسل به اهمیت توانمندی و نیروهای خود در توسعه امور روستا پی برده، در حل مشکلات بدان تکیه کنند. جدول ۲ گویه‌های مورد استفاده برای سنجش میزان توانمندسازی را نشان می‌دهد. برای سنجش متغیر میزان توانمندسازی، هر یک از گویه‌های جدول در قالب طیف لیکرت و با پاسخ‌های درجه‌بندی شده پنج‌گانه طراحی شدند. حداقل نمره برابر ۱ و حداکثر نمره برابر ۵ است. نمره بیشتر بیانگر میزان توانمندسازی بیشتر است.

جدول ۲- گویه‌های استفاده شده برای سنجش میزان توانمندسازی

توانمندسازی	<p>☞ تا چه اندازه برای راه‌اندازی کسب‌وکارهای جدید در روستا تلاش کرده‌اید؟</p> <p>☞ به نظر شما چه اندازه از مشکلات روستا ناشی از سیاست‌های دولت است؟</p> <p>☞ به نظر شما چه اندازه از مشکلات روستا ناشی از بی‌توجهی افراد روستا به امور روستا است؟</p> <p>☞ در طول یک سال گذشته تا چه اندازه پیشنهادهاى خود را در ارتباط با امور توسعه روستا با سایر روستاییان در میان گذاشته‌اید؟</p>
-------------	--

مشارکت: فرایندی سازمان‌یافته است که افراد جامعه، با در نظر داشتن اهدافی معین و مشخص که منجر به سهیم شدن آنها در منابع قدرت می‌شود، به‌صورت آگاهانه، داوطلبانه و جمعی در آن شرکت می‌کنند. وجود نهادهایی مانند انجمن‌ها، گروه‌ها، سازمان‌های محلی و غیردولتی از نمودهای مشارکت است (ازکیا، ۱۳۸۱: ۱۶).

امروزه، توسعه مبتنی بر روش مشارکتی موفق‌تر از سایر روش‌های توسعه است. دو راهبرد توسعه روستایی بر پایه اصل مهم مشارکت بنا نهاده شده‌اند؛ یکی، راهبرد توسعه جامعه‌ای و دیگری، راهبرد مشارکت مردمی.

توسعه جامعه‌ای ریشه در مفهوم فرد به‌مثابه عضوی مسئول و فعال در جامعه دارد و هدف اصلی آن تشویق همکاری‌ها برای ارتقای استانداردهای زندگی و ایجاد اجتماعات باثبات، متکی به خود و با تقویت احساس مسئولیت‌پذیری اجتماعی و

سیاسی است. فلسفه توسعه اجتماعی ایجاد رویه مردم‌سالاری برای شکوفایی بستر زندگی اجتماعی بر اساس مشارکت و مسئولیت جمعی و انگیزه کار گروهی است. در واقع، راهبردهای توسعه اجتماعی روستایی با پذیرش ساختار موجود در جامعه روستایی بر آن است که بدون نیاز به تحولات انقلابی، و تنها با واگذاری اختیار به جامعه محلی، به اصلاحات محدود جامعه روستایی و ارتقای کیفیت زندگی در آن بپردازد (جمعه‌پور، ۱۳۸۴: ۷۶).

از این دیدگاه، مردم هم وسیله توسعه و هم هدف آن به‌شمار می‌روند. طرح‌های توسعه روستایی، چه به‌لحاظ ماهیت طرح‌ها و چه به‌لحاظ محدودیت امکانات و منابع دولتی، نیازمند مشارکت مردم در ابعاد وسیع است. در این راهبرد، باید با تلفیق مناسب رویکردهای بالا به پایین و پایین به بالا، امکان مشارکت گسترده مردم را در فرآیند توسعه روستایی فراهم آورد. به‌طور کلی، می‌توان گفت که نظریه مدل توسعه جامعه‌ای برآمده از پیوند نظریات توسعه اجتماعی در کشورهای توسعه‌یافته و تجربه کار در کشورهای در حال توسعه است.

این رویکرد بر اهمیت توانمندسازی تأکید می‌کند؛ یعنی، قادر ساختن افراد به گسترش ظرفیت‌های انسانی خود در راستای تکمیل و به‌کارگیری آن برای استفاده بهتر در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی. بدیهی است که در هر اجتماع، ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی در ارتباط نزدیک و مؤثر با فرآیند توسعه اجتماعی باشد؛ از این رو، در مدل توسعه اجتماعی، درک این موضوع و پرداختن بدان بسیار اهمیت دارد.

راهبرد مشارکت مردمی نیز مانند راهبرد توسعه جامعه‌ای، بر مشارکت به‌مثابه اصل مهم برنامه‌ریزی توسعه روستایی تأکید دارد. از این دیدگاه نیز مردم هم وسیله توسعه‌اند و هم هدف آن؛ و طرح‌های توسعه روستایی، چه به‌لحاظ ماهیت طرح‌ها و چه به‌لحاظ محدودیت امکانات و منابع دولتی، نیازمند مشارکت مردم در ابعاد وسیع است. در راهبرد مشارکت مردمی نیز با تلفیق مناسب رویکردهای بالا به پایین و پایین به بالا، امکان مشارکت گسترده مردم در فرآیند توسعه روستایی فراهم می‌آید.

ایجاد فضای مشارکتی در روستاها برای اجرای برنامه‌های توسعه روستایی بدون توجه به منابع مشارکتی روستاییان محقق نمی‌شود. قنات یکی از این منابع مشارکتی به‌شمار می‌رود. این مشارکت در جنبه‌هایی متفاوت صورت گرفته است. همچنین، نقش مدیریت بهره‌برداری مناسب و معقول از منابع آب در توسعه پایدار روستایی دارای چنان اهمیتی است که گذشته از برطرف شدن نیازهای کنونی، به نیازهای نسل آینده نیز آسیبی نرسد. شرایط جغرافیایی ایران، به‌ویژه در مناطق مرکزی، همواره مشکلاتی را برای روستاییان به‌همراه داشته و نخستین گام‌ها برای روستا بیشتر در زمینه تأمین آب برای فعالیت‌های کشاورزی بوده است. ایرانیان از نخستین اقوامی به‌شمار می‌روند که برای تأمین آب در مناطق روستایی، به حفر قنات و سایر ابداعات مبادرت ورزیده‌اند (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۲: ۳۹).

جدول ۳ گویه‌های مورد استفاده برای سنجش میزان مشارکت را نشان می‌دهد. برای سنجش متغیر میزان مشارکت، هر یک از گویه‌های جدول در قالب طیف لیکرت و با پاسخ‌های درجه‌بندی شده پنج‌گانه طراحی شدند. حداقل نمره برابر ۱ و حداکثر نمره برابر ۵ است. نمره بیشتر بیانگر میزان مشارکت بیشتر است.

جدول ۳- گویه‌های استفاده شده برای سنجش میزان مشارکت در امور روستا

مشارکت در امور روستا	<p>☞ به‌نظر شما مردم تا چه اندازه می‌توانند در امور مربوط به توسعه روستا تأثیر داشته باشند؟</p> <p>☞ اگر یک هیئت مذهبی با کمک مردم در روستا دایر شود، تا چه اندازه حاضرید همکاری کنید؟</p> <p>☞ در طول یک سال گذشته تا چه اندازه در فعالیت‌های شورای روستا همکاری کرده‌اید؟</p> <p>☞ تا چه اندازه تمایل دارید که در امور مربوط به پیشرفت روستا با سایر روستاییان مشارکت کنید؟</p>
----------------------	---

جدول ۴ گویه‌های استفاده شده برای سنجش روحیه میل به پیشرفت را نشان می‌دهد. برای سنجش این متغیر، هر یک از گویه‌های جدول در قالب طیف لیکرت و با پاسخ‌های درجه‌بندی شده پنج‌گانه طراحی شدند. حداقل نمره برابر ۱ و حداکثر نمره برابر ۵ است. نمره بیشتر بیانگر بیشتر بودن میل به پیشرفت است.

جدول ۴- گویه‌های استفاده شده برای سنجش میزان میل به پیشرفت

☞ به نظر شما استفاده از ابزارهای جدید نسبت به وسایل قدیمی تا چه اندازه می‌تواند در توسعه روستای شما مؤثر باشد؟	نقش قنات
☞ تا چه اندازه در زمینه افزایش امکانات آموزشی در روستا تلاش کرده اید؟	
☞ به نظر شما راه‌اندازی کتابخانه و روزنامه‌فروشی تا چه اندازه در روستای شما ضرورت دارد؟	
☞ به نظر شما افزایش جوانان روستایی تحصیل کرده می‌تواند در پیشرفت روستای شما مؤثر باشد؟	

گوبلو^(۱۰) دانشمند فرانسوی که حدود بیست سال در ایران اقامت داشته و در زمینه آب در ایران کار کرده است، با انتخاب «قنات» در قالب یک موضوع مطالعاتی و استفاده از ۵۳۴ منبع علمی در این زمینه، و با انجام سفرهای متعدد به مناطق مختلف جهان، رساله دکتری خود را زیر عنوان «قنات فنی برای دستیابی به آب در ایران» نگاشته و در آن، چنین آورده است: قنات اختراع ایرانیان است و ده‌ها قرن هم قدمت دارد، در حالی که چینی‌ها فن حفر قنات را حدود دویست سال پس از ایرانیان آموخته‌اند؛ و همه چیز دال بر آن است که نخستین قنات‌ها در محدوده فرهنگی ایران ظاهر شده‌اند. گوبلو معتقد است که ایرانیان باستان که به کار کشاورزی اشتغال داشتند، چون آب رودها، چشمه‌ها و غیره را مردمان بومی آسیا اشغال و با آن کشاورزی می‌کردند، می‌کوشیدند در پرهیز از درگیری با ساکنان بومی، از هر منبع آبی دیگری در کشور استفاده کنند و از این‌رو، ترجیح می‌دادند در جاهایی اقامت و کشاورزی کنند که هنوز کسی در آنجا سکونت نداشت. در این میان، در بعضی نقاط، جوی‌هایی را می‌دیدند که در آن، جریان آب تقریباً ثابت و همیشگی بود (کاوه‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۲۰).

بنابراین، می‌توان ادعا کرد که استفاده از آب چاه و قنات عامل اصلی حیات روستایی در ایران است. همچنین، شکل‌گیری سکونت‌های روستایی در کشور و فاصله آنها از یکدیگر کاملاً به میزان آب به‌دست آمده از داخل زمین بستگی دارد؛ هر اندازه

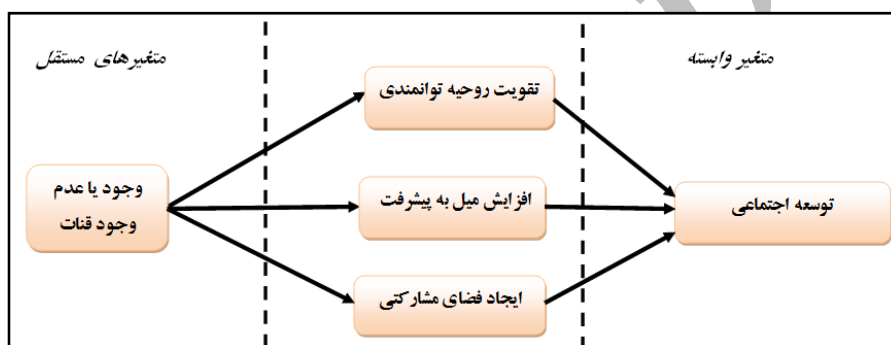
منابع آبی در منطقه فراوان باشد، فاصله روستاها از یکدیگر کمتر و هر اندازه که ذخایر آبی کمتر باشند، فاصله روستاها و آبادی‌ها از یکدیگر بیشتر است. در ایران، نگهداری قنات‌ها و یا مرمت آنها از عوامل مهم حیاتی در نگهداشت روستاها به‌شمار می‌رود؛ زیرا در بیشتر نقاط ایران مرکزی، قنات ضامن بقای جوامع روستایی است. امتیاز قنات‌ها بیش از چاه‌های عمیق است، چرا که آب چاه‌های عمیق پس از گذشت زمان به تدریج شور می‌شود و ارزش حیاتی خود را از دست می‌دهد. در حقیقت، می‌توان بزرگ‌ترین سهم ایران در تأسیسات آبیاری و فن آبرسانی را ابداع قنات و عرضه آن به سایر نقاط جهان دانست. همچنین، از نظر اجتماعی، نقش قنات در تحکیم و نگهداری جوامع روستایی بسیار مهم ارزیابی می‌شود.

اولین جنبه از مشارکت در قنات را می‌توان مشارکت خودجوش روستاییان برای حفر قنات دانست. پس از آن، نگهداری قنات، لایروبی نهرها و فعالیت‌هایی از این دست در شبکه روابط اجتماعی شکل گرفته در روستاها برای حفظ قنات انجام می‌شود و خود یک فضای مشارکتی خاص را می‌طلبد که امروزه، برنامه‌ریزان توسعه روستایی برای تحقق برنامه‌های خود به دنبال آن است. استفاده بهره‌برداران قنات از آن جنبه دیگری از مشارکت در قنات‌هاست. استفاده بهره‌برداران اعم از مالکان و غیرمالکان از قنات‌ها در روستا شبکه‌ای پیچیده از همکاری‌ها را به وجود می‌آورد که در نوع خود کم‌نظیر است. شایان یادآوری است که در پژوهشی دیگر، مشارکت در استفاده از آب قنات به صورت کامل بررسی شده است (فداکار داورانی، ۱۳۸۸: ۱۳۱).

پژوهش حاضر به بررسی اهمیت قنات در تقویت روحیه میل به پیشرفت، توانمندسازی و مشارکت و سرانجام، به نقش آن در توسعه پایدار روستایی می‌پردازد. بنابراین، گرچه نظریه‌های مبتنی بر مشارکت و به‌طور کلی، راهبردهای توسعه روستایی مبتنی بر مشارکت در مغایرت با نظریه‌های نوسازی است که به‌گونه‌ای بر رشد اقتصادی تأکید دارند، اما از آنجا که واحد تحلیل در این پژوهش نظام‌های شخصیتی افراد در اجتماع سنتی است، در کنار بعد مشارکت در توسعه که اصلی‌ترین شاخص آن به‌شمار می‌رود، از

تلفیق نظریه راجرز و مک‌کله‌لند به صورت چارچوب نظری تحقیق استفاده شده است که در آن، به عناصری مانند انگیزه‌ها، ارزش‌ها، و وجهه نظرها و از آن جمله میل به پیشرفت، توانمندسازی و مشارکت در جریان پذیرش تغییرات و فرایند توسعه توجه می‌شود.

نمودار ۳- مدل نظری تحقیق



منبع: یافته‌های تحقیق

در این تحقیق، متغیر وابسته توسعه اجتماعی در دو روستای مورد مطالعه با یکدیگر مقایسه شده و با استفاده از تحلیل رگرسیون، تبیین واریانس متغیر وابسته میزان توسعه اجتماعی از متغیرهای مستقل تحقیق انجام گرفته است.

پرسش‌های تحقیق

پرسش‌های اصلی این تحقیق عبارت‌اند از:

- ۱- آیا بین میزان توسعه اجتماعی مالکان و غیرمالکان قنات در روستای دارای قنات (داوران) تفاوت معنی‌دار وجود دارد؟
- ۲- آیا میان میزان هر کدام از شاخص‌های توسعه اجتماعی در مورد مالکان و غیرمالکان قنات در روستای دارای قنات (داوران) تفاوت معنی‌دار وجود دارد؟
- ۳- آیا میان میزان توسعه اجتماعی در روستای دارای قنات (داوران) و روستای فاقد قنات (فردوسیة) تفاوت معنی‌دار وجود دارد؟

۴- آیا میان میزان هر کدام از شاخص‌های توسعه اجتماعی در دو روستا مورد مطالعه (یکی، دارای قنات و دیگری، فاقد قنات) تفاوت معنی‌دار وجود دارد؟

جامعه آماری و جامعه نمونه

مطالعه میدانی این پژوهش در روستای داوران با جمعیت ۲۵۰۰ نفر، واقع در شهرستان رفسنجان، و روستای فردوسیه با جمعیت ۱۵۶۵ نفر در همین استان انجام می‌شود. البته جامعه نمونه این تحقیق تمام افراد بالای ۱۸ سال اعم از مرد و زن را در بر می‌گیرد؛ زیرا این افراد می‌توانند در امور روستا فعالیت و در شبکه روابط اجتماعی موجود در زمینه قنات شرکت داشته و یا مالک قنات باشند. دلیل اصلی انتخاب این دو روستا وجود تفاوت در نوع نظام آبیاری و مدیریت شبکه آبیاری آنهاست، چرا که در روستای داوران، قنات وجود دارد اما روستای فردوسیه فاقد قنات است.

شهرستان رفسنجان دارای ۱۵۱ قنات و از آن میان، ۹۰ قنات فعال است. کل میزان آب‌دهی قنات‌های فعال در حدود ۲۰۳۳ لیتر در ثانیه، و متوسط آب‌دهی (دبی) کل قنات‌های رفسنجان برابر با ۲۰/۴ لیتر در ثانیه است. همچنین، متوسط طول قنات‌ها به ۳۸۹۶ متر می‌رسد (جهادکشاورزی شهرستان رفسنجان، ۱۳۸۷).

حجم نمونه مورد مطالعه از رابطه کوکران^(۱۱) و با در نظر گرفتن ضریب اطمینان ۹۵ درصد محاسبه شد که بر این اساس، تعداد حجم نمونه در روستای داوران ۳۰۰ نفر (۱۵۰ مالک و ۱۵۰ غیرمالک) و در روستای فردوسیه ۱۳۰ نفر و در مجموع، ۴۳۰ نفر بوده است. از آنجا که امکان دسترسی به اسامی تمام افراد جامع آماری وجود داشت، نمونه‌گیری به روش تصادفی نظام‌مند انجام شد.

روش تحقیق

در این تحقیق، از روش پیمایشی شامل انجام مصاحبه حضوری با ساکنان روستا و تکمیل پرسشنامه استفاده شده و برای مطالعه ادبیات موضوع، بررسی پیشینه تحقیق و مبانی نظری نیز با بهره‌گیری از کتاب‌ها، نشریات، مقالات داخلی، مقالات خارجی و پایگاه‌های اینترنتی معتبر، روش کتابخانه‌ای به‌کار رفته است.

یافته‌های تحقیق

فرضیه اصلی پژوهش حاضر بر این ایده استوار است که وجود قنات در یک روستا به دلیل تقویت روحیه توانمندسازی، میل به پیشرفت و مشارکت در امور روستا امکان تحقق برنامه‌های توسعه روستایی را فراهم می‌آورد. گرچه تحلیل داده‌های تحقیق نشان‌دهنده تفاوت معنی‌دار در برخی از این شاخص‌هاست، اما میان میزان توسعه اجتماعی در دو روستای مورد بررسی از نظر آماری تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد.

متغیر توسعه اجتماعی از جمع سه بعد توانمندسازی، میل به پیشرفت و مشارکت حاصل شده است و همان طور که در بخش تعریف مفاهیم بیان شد، هر کدام از این ابعاد توسط چهار گویه در قالب طیف لیکرت و با پاسخ‌های درجه‌بندی شده پنج‌گانه سنجیده شده‌اند. بنابراین، متغیر توسعه اجتماعی از مجموع ۱۲ گویه با درجه‌بندی پنج‌گانه به دست آمده و دامنه تغییرات آن در فاصله ۱۲ تا ۶۰ است. در این تحقیق، کمترین مقدار برای این متغیر برابر ۱۴ و بیشترین مقدار برابر ۴۸ به دست آمد. سپس، نمرات توسعه اجتماعی با توجه به مقادیر کمترین، بیشترین، میانگین و انحراف معیار، دسته‌بندی شدند که بدین ترتیب نمرات کمتر از ۲۷ در طبقه کم، ۲۸ تا ۳۴ در طبقه متوسط، و ۳۵ و بیشتر در طبقه زیاد قرار گرفتند (جدول ۵).

جدول ۵- توزیع جامعه مورد مطالعه بر اساس میزان توسعه اجتماعی به تفکیک روستا

کل		فردوسیه		داوران		روستا
درصد ستونی	تعداد	درصد ستونی	تعداد	درصد ستونی	تعداد	میزان توسعه اجتماعی
۳۲/۳	۱۳۹	۳۰	۳۹	۳۳/۳	۱۰۰	کم
۳۱/۹	۱۳۷	۳۴/۶	۴۵	۳۰/۷	۹۲	متوسط
۳۵/۸	۱۵۴	۳۵/۴	۱۳۰	۳۶	۱۰۸	زیاد
۱۰۰	۴۳۰	۱۰۰	۱۳۰	۱۰۰	۳۰۰	کل

منبع: یافته‌های تحقیق

آزمون کای اسکوئر نشان‌دهنده سطح معنی‌داری ۰/۷۶ است و از این رو، میان میزان توسعه اجتماعی در دو روستای مورد مطالعه تفاوتی معنی‌دار وجود ندارد. همچنین، میانگین متغیر توسعه اجتماعی در روستای داوران ۲۹/۹۰ و در روستای فردوسیه ۲۹/۹۰ به دست آمد. اما در روستای داوران، نتیجه آزمون‌های آماری تفاوت معنی‌دار میان میزان توسعه اجتماعی مالکان و غیرمالکان قنات را نشان می‌دهد. توزیع جامعه مورد مطالعه بر اساس میزان توسعه اجتماعی به تفکیک مالکیت قنات در جدول زیر آمده است.

جدول ۶- توزیع جامعه مورد مطالعه بر اساس میزان توسعه اجتماعی به تفکیک مالکیت قنات

کل		غیرمالک قنات		مالک قنات		وضعیت مالکیت قنات
درصد ستونی	تعداد	درصد ستونی	تعداد	درصد ستونی	تعداد	میزان توسعه اجتماعی
۳۴	۱۰۲	۳۳/۳	۵۰	۳۴/۷	۵۲	کم
۳۲/۷	۹۸	۳۸/۷	۵۸	۲۶/۶	۴۰	متوسط
۳۳/۳	۱۰۰	۲۸	۴۲	۳۸/۷	۵۸	زیاد
۱۰۰	۳۰۰	۱۰۰	۱۵۰	۱۰۰	۱۵۰	کل

منبع: یافته‌های تحقیق

بر اساس نتایج آزمون کای اسکوئر، با ۹۶ درصد اطمینان می‌توان گفت که به‌لحاظ متغیر توسعه اجتماعی، میان مالکان و غیرمالکان قنات در روستای داوران تفاوت معنی‌دار وجود دارد و در زمینه شاخص‌های توسعه اجتماعی نیز مالکان قنات امتیاز بیشتری را نشان می‌دهند؛ یعنی، در روستای داوران، مالکان قنات در مقایسه با غیرمالکان قنات در جامعه مورد مطالعه از میزان توسعه اجتماعی بیشتری برخوردارند.

همچنین، چنانکه بررسی داده‌ها با درصد اطمینان بالا نشان می‌دهد، افراد عضو شبکه روابط اجتماعی قنات میزان بیشتری از شاخص‌های توانمندی را نشان می‌دهند، به‌گونه‌ای که به‌جای تکیه بر منابع و کمک‌های دولت و یا خارج از روستا، بیشتر بر سرمایه‌های خود و سرمایه‌های داخلی برای توسعه روستا و حل مشکلات آن تأکید دارند. همچنین، میزان میل به پیشرفت و نیز میزان مشارکت در شورای روستا و امور توسعه روستا در این افراد بیشتر مشاهده می‌شود. توزیع جامعه مورد مطالعه بر اساس متغیر توانمندی در جدول ۷ آمده است.

جدول ۷- توزیع جامعه مورد مطالعه بر اساس میزان متغیر توانمندی به تفکیک روستا

کل		فردوسیه		داوران		روستا
درصد ستونی	تعداد	درصد ستونی	تعداد	درصد ستونی	تعداد	میزان توانمندی
۲۹/۳	۱۲۶	۴۶/۲	۶۰	۲۲	۶۶	کم
۳۳/۵	۱۴۴	۳۳	۴۳	۳۳/۷	۱۰۱	متوسط
۳۷/۲	۱۶۰	۲۰/۸	۲۷	۴۴/۳	۱۳۳	زیاد
۱۰۰	۴۳۰	۱۰۰	۱۳۰	۱۰۰	۳۰۰	کل

منبع: یافته‌های تحقیق

بر اساس نتایج آزمون کای اسکوئر، با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت که میان میزان متغیر توانمندی در دو روستای مورد مطالعه تفاوت معنی‌دار وجود دارد، و میانگین

میزان توانمندی در روستای دارای قنات بیشتر است. همچنین، بررسی متغیرهای تحقیق نشان‌دهنده تفاوت معنی‌دار میان میزان توانمندی مالکان و غیرمالکان قنات در روستای دارای قنات (داوران) بوده و میزان آن در مورد مالکان قنات بیشتر است؛ و بدین ترتیب، فرض اصلی تحقیق مبنی بر اهمیت قنات به‌مثابه عامل گسترش روحیه توانمندی تأیید می‌شود. بنابراین، انتظار می‌رود که برنامه‌ریزان توسعه روستا، با بهره‌گیری از قنات‌ها به‌مثابه منابع ارزشمند اجتماعی و اقتصادی در برنامه‌های توسعه روستایی، ارزش همکاری و خودباوری روستاییان را به‌ویژه در میان جوانان روستایی یادآور شوند.

همچنین، تفاوت معنی‌داری میان میزان مشارکت در روستاهای داوران و فردوسیه مورد بررسی قرار گرفت. توزیع جامعه مورد مطالعه بر اساس میزان مشارکت در دو روستای مورد مطالعه در جدول ۸ آمده است.

جدول ۸- توزیع جامعه مورد مطالعه بر اساس میزان مشارکت به تفکیک روستا

کل		فردوسیه		داوران		روستا
درصد ستونی	تعداد	درصد ستونی	تعداد	درصد ستونی	تعداد	
۲۴	۱۰۳	۱۷/۷	۲۳	۲۶/۷	۸۰	کم
۲۸/۶	۱۲۳	۲۷/۷	۳۶	۲۹	۸۷	متوسط
۴۷/۴	۲۰۴	۵۴/۶	۷۱	۴۴/۳	۱۳۳	زیاد
۱۰۰	۴۳۰	۱۰۰	۱۳۰	۱۰۰	۳۰۰	کل

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج آزمون کای اسکوئر نشان می‌دهد که میان میزان متغیر مشارکت در امور روستا در دو روستای مورد مطالعه تفاوت معنی‌دار وجود ندارد.

جدول ۹- توزیع جامعه مورد مطالعه بر اساس میزان میل به پیشرفت به تفکیک روستا

کل		فردوسیه		داوران		روستا
درصد ستونی	تعداد	درصد ستونی	تعداد	درصد ستونی	تعداد	میزان میل به پیشرفت
۲۹/۱	۱۲۵	۲۲/۳	۲۹	۳۲	۹۶	کم
۲۰/۹	۹۰	۱۶/۲	۲۱	۲۳	۶۹	متوسط
۵۰	۲۱۵	۶۱/۵	۸۰	۴۵	۱۳۵	زیاد
۱۰۰	۴۳۰	۱۰۰	۱۳۰	۱۰۰	۳۰۰	کل

منبع: یافته‌های تحقیق

بر اساس نتایج آزمون کای اسکور، با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت که میان میزان متغیر میل به پیشرفت در دو روستای مورد مطالعه تفاوت معنی‌دار وجود دارد (جدول ۹).

بررسی رابطه متغیر توسعه اجتماعی با سایر متغیرهای تحقیق نشان‌دهنده نتایجی جالب توجه است که از آن جمله، می‌توان وجود رابطه معنی‌دار میان میزان توسعه اجتماعی و سن در جامعه مورد مطالعه را یادآور شد، که رابطه‌ای معکوس است؛ یعنی، با افزایش سن، میزان توسعه اجتماعی کاهش می‌یابد و برعکس. در تمام شاخص‌های توسعه اجتماعی نیز به‌خوبی می‌توان این رابطه را مشاهده کرد. به‌دیگر سخن، میل به مشارکت اجتماعی، توانمندی، و نیز مشارکت اجتماعی در میان افراد دارای سن کمتر به‌میزان بیشتری مشاهده می‌شود. البته با توجه به اهمیت این موضوع، در ادامه پژوهش حاضر، تحقیقاتی با استفاده از روش مصاحبه عمیق نیز صورت گرفت، که نتایج آن نیز نشان از افزایش شاخص‌های توسعه اجتماعی در میان جوانان روستاهای مورد بررسی داشت. آنها بیشتر مشکلات روستا را ناشی از عدم استفاده از سرمایه‌های خود روستا می‌دانستند و بر لزوم افزایش مشارکت روستاییان در امور روستا تأکید داشتند.

پیشنهادها

در دههٔ اخیر، از بعد اقتصادی، توسعهٔ روستایی از طریق سازوکارهایی گوناگون مانند رشد فناوری و تحصیلات عالی در جوامع روستایی ایران قابل توجه است؛ اما امروزه پیشبرد اهداف توسعهٔ اجتماعی است که در کنار توسعهٔ اقتصادی، دستیابی به اهداف توسعهٔ پایدار روستایی را امکان‌پذیر می‌سازد، چرا که خود روستاییان مهم‌ترین منبع قابل استفاده در این راه به‌شمار می‌روند. در حقیقت، مشکل زمانی بروز می‌کند که هنوز ساختار اجتماعی موجود برای سهم شدن نیروهای جوان در مناسبات اجتماعی مناسب نباشد؛ و غفلت از اصلاح ساختار موجود شکافی را میان مسئولان و روستاییان پدید می‌آورد که سرانجام، ممکن است به کاهش احساس اعتماد اجتماعی به‌ویژه نسبت به دولت منجر شود و سپس، بر سایر ابعاد اعتماد اجتماعی مانند اعتماد به نهادها و سازمان‌ها و یا اعتماد به سایر روستاییان نیز تأثیر منفی بگذارد. یکی از عمده‌راه‌حل‌های این مسئله، که به نگهداشت فضای مشارکتی برآمده از وجود قنات هم کمک می‌کند، ایجاد فضایی از اعتماد میان روستاییان و مسئولان است که در آن، روستاییان بتوانند به‌راحتی مشکلات خود در زمینهٔ آبیاری و نگهداری قنات را با مسئولان در میان بگذارند. اطلاع‌رسانی و شفاف‌سازی از سوی مسئولان از جمله مواردی است که به افزایش مشارکت اجتماعی روستاییان در راستای اهداف توسعهٔ پایدار روستایی کمک خواهد کرد.

یادداشت‌ها

1. Gabriel Almond
2. Robert Redfield
3. Barrington Moore
4. Walt Whitman Rostow
4. Joseph Schumpeter
6. Shmuel Eisenstadt
7. Samuel Huntington
8. David McClelland
9. Everett Rogers
10. Henri Goublou
11. Cochran

منابع

- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۱)، *جامعه‌شناسی توسعه*. تهران: نشر کلمه.
- جمعه‌پور، محمود (۱۳۸۴)، *برنامه‌ریزی توسعه روستایی: دیدگاه‌ها و روش‌ها*. تهران: انتشارات سمت.
- جهاد کشاورزی شهرستان رفسنجان (۱۳۸۷)، *گزارش قنات‌های رفسنجان*. رفسنجان: جهاد کشاورزی شهرستان رفسنجان، معاونت آب، خاک و صنایع.
- زاهدی، شمس‌السادات و نجفی، غلامعلی (۱۳۸۵)، «بسط مفهومی توسعه پایدار». *مجله علوم انسانی، ویژه‌نامه مدیریت*. سال ۱۰، شماره ۴، پیاپی ۴۹.
- طالب، مهدی (۱۳۷۶)، *مدیریت روستایی در ایران*. تهران: دانشگاه تهران.
- عمادی، محمدحسن و امیری اردکانی، محمد (۱۳۸۱)، «تلفیق دانش بومی و دانش رسمی؛ ضرورتی در دستیابی به توسعه پایدار کشاورزی». *فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه*. دوره ۱۰، شماره ۳۷.
- فداکار داورانی، محمد مهدی (۱۳۸۸)، *نقش قنات در توسعه پایدار در مناطق نیمه‌بیابانی ایران (مطالعه دو روستای داوران و فردوسیه در شهرستان رفسنجان)*. رساله دکتری جامعه‌شناسی. استاد راهنما: دکتر عزت‌الله سام‌آرام. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی.
- کاوه‌زاده، ناهید (۱۳۸۴)، «ایران- سرزمین تمدن قنات‌ها». *مجموعه مقالات کنفرانس بین‌المللی قنات در ایران*. کرمان: جهاد دانشگاهی دانشگاه کرمان.
- مطیعی لنگرودی، حسن (۱۳۸۲)، *برنامه‌ریزی روستایی با تأکید بر ایران*. مشهد: جهاد دانشگاهی.
- مehشواری، شریرام (۱۳۷۸)، «توسعه پایدار و مدیریت دولتی در هند». *مجله مدیریت توسعه*. سال ۱، شماره ۹.
- موثقی، سیداحمد (۱۳۸۳)، «سیر تحول مفهومی و نظری توسعه»، *مجله حقوق و علوم سیاسی*، سال اول، شماره ۶۳.
- Mesarovic, M. D. and Pestel, E. (1974), *Mankind At the Turning Point: The Second Report to the Club of Rome*. New York: Dutton and Co., Inc., and Reader's Digest Press.
- Dube, S. C. (1990), *Modernization and Development: The Search for Alternative Paradigms*. Tokyo: United Nations University.